



## اخبار



امیر خلبان حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش، در جمع فرماندهان و استادان دانشگاه هوایی شهید ستاری و پایگاه شهید اکبری گفت: ما در مجموعه نیروی هوایی در راستای ارتقای توان و آمادگی‌های رزم برای پاسخگویی هوشمندانه به هر سطح و نوع از تهدید هوایی از هیچ تلاشی فرو گذار نخواهیم کرد.

وی ادامه داد: رشد سرمایه انسانی با رویکرد ساخت نیروی هوایی دانشمند تراز نظام اسلامی از اصول مهم نیروی هوایی در تعامل با سایر بخش‌های لشکری و کشوری است.

فرمانده نیروی هوایی ارتش با اشاره به نقش دانشگاه شهید ستاری افزود: برای رسیدن به نقطه مطلوب نباید از نقش دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری غافل شویم؛ چرا که این دانشگاه فضایی برای تربیت افسران متعهد، متخصص و ولایت‌مدار است که در رسیدن به اهداف متعالی نقش بسیار مهم و پررنگی را ایفا می‌کند.

امیر واحدی در ادامه با بیان این‌که ما قصد جنگ با هیچ کشوری را نداریم، خاطر نشان کرد: دکنترین ما دفاعی است و قصد تجاوز به هیچ کشوری را نداریم ولی با آمادگی کامل در مقابل هر گونه تجاوز با قدرت تمام و پشتیبان کننده ایستاده و جواب دندان‌شکنی به دشمن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواهیم داد.

وی در پایان با اشاره به قدرت پهبادی ارتش گفت: پهبادها فناوری پیشرفته، در دسترس، ارزان و دارای کاربردهای متنوعی هستند. این فناوری به یکی از مؤلفه‌های مهم جنگ‌های غیر متقارن تبدیل شده و به لطف خدا به پیشرفت‌های قابل توجهی در حوزه پهباد رسیده‌ایم.

## غفلت پدافند هوایی توجیه‌پذیر نیست



امیر سرتپ ابوالفضل سپهری‌راد معاون هماهنگ‌کننده نیروی پدافند هوایی ارتش با بیان این‌که مجموعه کارکنان مرکز فرماندهی و کنترل این نیرو، افسرانی متعهد، متخصص و کاملاً هوشیار هستند، گفت: کارکنان جوان، پویا و با انگیزه پدافند هوایی ارتش در هر تخصصی که مشغول به خدمت باشند دغدغه‌ای جز آسایش، آرامش و آسودگی خاطر هموطنان عزیزمان نخواهند داشت.

وی خاطرنشان کرد: امنیت و ایمنی تمام پروازهای آسمان ایران لحظه‌ای رصد می‌شود و غفلت و اشتباه در مجموعه پدافند هوایی ارتش اصلاً توجیه‌پذیر نخواهد بود.

معاون هماهنگ کننده نیروی پدافند هوایی ارتش با اشاره به این‌که چشم انداز این نیرو بسیار روشن و قابل تحسین است، افزود: از مراکز آموزش و دانشگاه پدافند هوایی ارتش گرفته تا بالاترین رده علمی و تحقیقاتی این نیرو به صورت شبانه‌روزی و بدون وقفه مشغول تلاش و کشف اختراعات و دستاوردهای بومی، جدید و به روز هستند که برخی از این دستاوردها در آزمایش‌های متعدد پدافند هوایی با موفقیت آزمایش و رونمایی شده است.

امیر سپهری‌راد تأکید کرد: بدون اخذ مجوز از شبکه فرماندهی و کنترل نیروی پدافند هوایی، هیچ پرنده‌ای حق ورود به آسمان امن ایران را ندارد، چراکه با پاسخ سریع، کوبنده و با صلابت افسران شیر دل پدافند هوایی روبرو می‌شود.



تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

## تدابیر رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان برای تقویت روابط

رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان ضمن تأکید بر تقویت همکاری‌های مرزی و تسهیل در مبادلات کالا بر ارتقای همکاری‌های اقتصادی و تجاری برای افزایش سطح روابط بین دو کشور تأکید کردند. سید ابراهیم رئیسی در گفت‌وگوی تلفنی با «قربان قلی بردی محمداف» رئیس جمهور ترکمنستان گفت: در زمینه همکاری‌های



## غفلت ما از پرداختن به وقایعی که در تاریخ انقلاب رخ داده است

## چه پیامدهایی را در پی خواهد داشت؟

# فرصت‌سوزی به نفع روایت‌های وارونه



مرتضی درخشان روزنامه‌نگار

آن جریان دارد. کتاب‌ها پخش می‌شود و شاید در خانه خیلی از ما هم وجود داشته باشد. غافل از این‌که بسیاری از این عرفا و فلاسفه فانتزی و گنگولی به علت مسائل اخلاقی، مسائل جنسی، موضوعات تروریستی و حتی کلاهبرداری مالی تحت تعقیب یا بازداشت قرار داشته یا دارند اما قصه‌ای که برای ما تعریف می‌شود، آنقدر شیرین است که اصلاً نیازی به تحقیق نمی‌بینیم و به آدمی که نمی‌شناسیم، اعتماد می‌کنیم تا برایمان دفترچه راهنمای زندگی بنویسد، به یکی مثل اشوا!

## هم‌سن‌وسال با اولین زبان

قصه‌ها هیچ وقت در دنیا از بین نمی‌روند، همیشه از پل زبان عبور کرده و دست به دست و نسل به نسل می‌شوند و مسیر تاریخ را طی می‌کنند.

از اولین باری که زبان اختراع شد تا امروز این قصه‌ها مثل یک خط‌ممتد در جریان هستند. شاید بعضی قصه‌ها ناپود باشند اما دلیل بر این نیست که آن‌قصه وجود نداشته یا روایت نشده باشد.

حالا تصور کنید یک انسان اولیه به جای این‌که روی دیوارهای غار از اولین‌زبان موجود در دنیا یعنی نقاشی استفاده درست کند و یک روایت واقعی از دوران خودش را به ما انتقال دهد، رویاها یا فانتزی‌های خود را برای ما به یادگار می‌گذاشت، مثلاً یک انسان درحال پرواز را به تصویر می‌کشید، آیا دانشمندان مسیر طولانی تاریخ را از مبدأ درستی دنبال می‌کردند؟

چرا در تاریخ بگردیم؟ همین امروز خودمان، به آدم‌های ۱۰۰۰سال بعد فکر کنید. تصور کنید مثلاً جنگ هسته‌ای شده و از تمام دوره تاریخی ما یک دستخط یا یک ویدئو به آنها برسد. اگر برای آنها روایتی به جای بگذاریم که انسان‌های قرن فلان به جای خانه در غارها زندگی می‌کردند در مورد ما چه فکری خواهند کرد؟

قطعا مثال عجیبی بود. حالا این باز زمانی را کوتاه کنید، خیلی کوتاه! اگر شاهدان عینی یک قتل یا یک تصادف همه با هم دست به یکی‌کنندو روایتی دروغین متناسب با مدارک برای دادگاه ارائه کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا مسیر زندگی آدم‌های اطراف این حادثه را تغییر نمی‌دهد؟ قصه، یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی بشری است؛ قصه‌ای که اگر به درستی انتقال پیدا کند، می‌تواند راهگشای آینده باشد اما اگر تحریف شود، مسیر تاریخ را تغییر می‌دهد. اجازه بدهید چند مثال عینی از دوره‌خودمان را با هم بررسی کنیم.

## یک‌روایت‌آشنا

در قرن ۲۰، یکی از کشورهای آسیایی دچار یک گروه معارض شد که با حکومت مرکزی مبارزه می‌کرد و از طرق مختلف برای عوض کردن نظام سیاسی تلاش می‌کرد. بعد از مدتی که در مسیر حرکت سیاسی

تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ یکی از وقایعی بود که روایت صحیح آن تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است

گازی و اجرایی شدن سوآپ گازی ترکمنستان - آذربایجان از ایران، همکاری‌های خوبی انجام شده است. وی بر همکاری‌های مشترک در زمینه حمل و نقل و ترانزیت کالا بین دو کشور تأکید کرد و گفت: با تلاش سران دو کشور اقدامات خوبی در زمینه تقویت روابط مرزی ایجاد شده است و با پیگیری دو کشور می‌توان برخی موانع



## غفلت ما از پرداختن به وقایعی که در تاریخ انقلاب رخ داده است

## چه پیامدهایی را در پی خواهد داشت؟

# فرصت‌سوزی به نفع روایت‌های وارونه

تا به حال به این فکر کرده اید که یک فرقه جدید چطور راه می‌افتد؟ مثلاً یک فیلسوف یا یک عارف چطور هوادار جمع می‌کند و یک دین درست می‌کند؟ یک ایدئولوژی ابداعی در دنیایی که پر از صداهای بلند است و یک صدای کوچک یک نفره چطور می‌تواند به گوش دیگران برسد؟ اصلاً هواداران این دین‌های من‌درآوردی یکدیگر را چطور پیدا می‌کنند و از چه طریقی با هم آشنا می‌شوند؟ اگر بخواهید در این مورد تحقیق کنید، هندوستان یکی از بهترین جاها برای این کار است؛ کشوری پر از دین‌های نوظهور که شک داریم بتوان اصلاً نام دین‌را روی آنها گذاشت، از انبه و آمیتاب باچان پرستی تا دین‌هایی که به نظر می‌رسد منشأ آسمانی هم داشته باشند. فلاسفه و عرفایی که این گرایش‌ها را ترویج می‌کنند در کشور می‌چرخند و سخنرانی می‌کنند و مردمی که در آن جامعه با تکتُر و فلاسفه و ارتباط دارند به روش‌های مختلف به سمت این دین‌ها جذب می‌شوند و بعضی کم و بعضی بیشتر، خودشان را وقف ایدئولوژی جدید می‌کنند. این وسط هم یک فرقه با کار سازمانی و طاقت فرسا خودش را از مرزها عبور می‌دهد و جنبه بین‌المللی پیدا می‌کند، یک قصه از خودش ارائه می‌دهد و شما مجذوب شخصیت‌های آن قصه می‌شوید، روایتی که بیشتر عنصر خیال در آن جریان دارد. کتاب‌ها پخش می‌شود و شاید در خانه خیلی از ما هم وجود داشته باشد. غافل از این‌که بسیاری از این عرفا و فلاسفه فانتزی و گنگولی به علت مسائل اخلاقی، مسائل جنسی، موضوعات تروریستی و حتی کلاهبرداری مالی تحت تعقیب یا بازداشت قرار داشته یا دارند اما قصه‌ای که برای ما تعریف می‌شود، آنقدر شیرین است که اصلاً نیازی به تحقیق نمی‌بینیم و به آدمی که نمی‌شناسیم، اعتماد می‌کنیم تا برایمان دفترچه راهنمای زندگی بنویسد، به یکی مثل اشوا!

خودشان به نتیجه دلخواه نرسیدند، اعلام خروج نظامی کردند و وارد فاز تسلیحاتی شدند به شکلی که با حرکات تروریستی از بمبگذاری گرفته تا ترور اشخاص مختلف حق زندگی را از حدود ۱۷هزار نفر گرفتند، ۱۷هزار نفری که اغلب شهروندان عادی بودند و در سپهر سیاسی کشور متبوع خودشان چیزی جز یک حق رأی نداشتند.

این گروه که یکی از اهدافش در این موضوع به‌خصوص ایجاد رعب و وحشت بود و می‌خواست مردم بابت افکارشان هم هزینه جانی بدهند تا از همراهی حکومت دست بکشند، چند بار هم در شهرهای مختلف قیامی راه انداخت و با مخالفت و همراهی نکردن مردم مواجه شد و شکست خورد. دست آخر هم ارتشی نظامی تدارک دید و از کشوری که به آنها اجازه می‌داد به کشور مورد نظر حمله نظامی کرد و پس از شکست این مورد آخری بسیاری از نیروهای این گروه بازداشت شدند.

در این میان عده‌ای به اصطلاح خودمان توبه کردند و از گروه، اعلام جدایی کردند. عده‌ای هم گفتند اگر همین الان آزاد شوند دوباره به آن گروه می‌پیوندند و علیه کشور مورد نظر حمله نظامی کرد و پس از شکست این مورد آخری بسیاری از نیروهای این گروه بازداشت شدند.

فقط در تمام تاریخ یک کشور دو بار آن را علیه کشور دیگری استفاده کرد، بمباران هیروشیما و ناگازاکی!که آخرین بقایای جنگ جهانی دوم را در دنیا باقی گذاشت و آن بقایا آثار رادیواکتیوی هستند که در بعضی ژاپنی‌ها هنوز هم دیده می‌شود. حالا تصور کنید کشورهای دارای بمب اتم دنیا به‌خصوص آن کشوری که از آن استفاده کرده بیایند و برای دیگران تعیین تکلیف کنند که اصلاً فناوری هسته‌ای به هر صورتی (بخوانید صلح‌آمیزاً) داشته باشند یا نه! و اگر کشوری خارج از قواعد نوشته شده توسط این جنایتکاران جنگی رفتار کند با تحریم‌های بیرحمانه حتی در زمینه دارو مواجه می‌شود، ظلم نیست؟!

آیا اولین کشوری که باید از داشتن این فناوری منع شود خود آمریکا نیست؟! پس چرا بعضی اوقات در ذهن یک عده این‌طور می‌چرخد که باید همه چیز را کنار بگذاریم چون آمریکایی‌خواهد؟ چرا حالا بعد از این‌که این جنایتکاران جنگی زیرمیز توافق‌شان با گروهک منفور منافقین یا همان مجاهدین خلق درگیر بود، مجاهدینی که بارها ثابت شد از خلق فقط یک نام را به همراه دارند و تنها چیزی که برایشان اهمیت نداشت، همین خلق بود. مادر عملیات مرصاد، قاتله آمل و در ترورهای

موجود را برداشت، رئیس‌جمهور در مورد همکاری‌های علمی و فناوری بین تهران - عشق‌آباد، خاطرنشان کرد: در سفر به ترکمنستان تعدادی از محصولات دانش بنیان ایران در زمینه‌های پزشکی و پیراپزشکی به کشور ترکمنستان اهدا شد تا بتوانیم همکاری‌های خوبی در زمینه‌های دانش بنیان و پزشکی داشته باشیم.

## روایت‌های دروغی که باور کرده‌ایم

سری به سرداشت بزنی، یک فاجعه انسانی! یک شهر در مرزهای غربی کشور که مثل حلبیه با حمله شیمیایی رژیم بعث صدام مواجه شد.

دیدن یک سالن ورزشی که جنازه شصت و چند بچه را کنار هم گذاشته باشند یا تصویر مردی که روی زمین افتاده در حالی که نوزادی در بغل دارد و صورت تاول‌زده نوزاد نشان می‌دهد یک عامل شیمیایی او را از زندگی محروم کرده چیزی است که از خاطر مردم برود؟

حالا تصور کنید کشوری که این سلاح را در اختیار صدام گذاشته بود الان طرف صلح و امنیت جهان ایستاده و حتی وقتی ما می‌خواهیم قصه آن روزها را تعریف کنیم، فیلم‌هایی می‌سازیم که فقط ضدجنگ است و حتی اشاره‌ای به صدام نمی‌کند. می‌شود قصه جنگی که سیاه و سفید ندارد، می‌شود جنگ بدون حق و باطل و بعدها وقتی نسل‌های بعدی می‌خوانند این روایت را برای هم نقل کنند احتمالاً به جای این‌که بگویند صدامی بود که به ایران حمله کرد، فقط می‌گویند جنگی بود که بین دو کشور همسایه بر سر حقایق یک رودخانه در گرفت، همین.

مثل هزار و یک قصه دیگری که برعکس واقعیت روایت کردند، مثلاً این‌که هیتلر را یک سری اقدامات روی کار آورد که نمونه‌اش بیرون کشیدن پول‌های راک فلر از حساب‌هایش در آلمان بود که اقتصاد آلمان را زمین زد تا زمین بازی به امثال هیتلر برسد.

مثل هلوکاست، مثل این‌که از فلسطین و اشغالگرانش فقط برای ما قصه‌ای خیالی تعریف کردند که یک سری آدم زمین‌هایشان را فروختند و آنها که صاحب زمین شدند حکومت تشکیل دادند، کشتارها و کوچ‌های اجباری نظیر طنطوره هم انگار اصلاً وجود نداشته است؛ کشتارهای شبانه و غافلگیرکننده‌ای که به روایت شاهدان عینی بعضی‌ها حتی با تبر به قتل رسیده بودند.

شاید امروز که همه می‌بینند چه اتفاقی در جریان است چندان این روایت‌ها مهم نباشند، ولی به خاطر بیاوریم حافظه ما چقدر کوتاه‌مدت است و این روایت‌ها هستند که اثر باقیمانده از اتفاقات را می‌سازند.

اگر امروز روایت‌هایی که در حال وقوع هستند را ثبت نکنیم، فردا نمی‌توانیم برای نسل‌ها جا بیندازیم آن چیزی که به خورد ما می‌دهند واقعیت نیست.

مثل همین نکته‌ای که رهبری در دیدار با پرستاران به آن اشاره کردند. باور کنید اگر روایت ایستادگی کادر درمانی در تاریخ ثبت نشود و مردم از آن آگاه نشوند، اگر مجاهدت پرستاران و پزشکان جایی ماندگار نشود، روزی به ما خواهند گفت در سال فلان آنچنان بیماری‌ای آمد که کادر درمان هم فرار کردند.

شاید قبول این‌که در آینده این روایت را باور کنیم یا مجاهدت کادر درمان از خاطرمาน برود، سخت باشد اما خیلی از ما همین الان هم یادمان رفته است که در زمان شیوع کرونا، مردم دنیای با فرهنگ و مدرن به فروشگاه‌ها حمله کردند و حتی دستمال کاغذی نایاب شد اما در کشورمان خبری از آن وحشیگری نبود. همین ماجرای ثبت نشده که یادمان رفته را بگذارید کنار روایت کادر درمان، حتما فراموش خواهیم کرد چه کسی جان خودش را با جان مردم معامله کرد.

حالا تمام این روایت‌های معلق و ثبت نشده را دوباره ببینید؛ آغاز جنگ، اتفاقات لانه جاسوسی، قطعنامه، فتنه ۸۸، دوران پهلوی، خرابکاری‌های رژیم‌صهیونیستی در تهران و از همه عجیب‌تر ترور حاج‌قاسم سلیمانی! بله، ترور حاج‌قاسم سلیمانی که اگر در ارائه روایت درستی از آن کوتاهی کنیم، همین‌طور که شکست داعش را دارند پای آمریکایی‌ها فاکتور می‌کنند، روایت برعکسی از ترور یک مقام رسمی ایرانی در کشور ثالث ارائه می‌دهند که دست آخر در پس‌آذهن خودمان هم نمی‌توانیم از خون به ناحق ریخته سردارمان دفاع کنیم.

افراد نشسته‌اند و می‌گویند در ویاال‌های واکسن چیزی جز آب مقطر نیست. اصلاً مساله سیاسی نیست. آنها اغلب قصه‌ای شنیده‌اند و روایتی در ناخودگاهشان نهادینه شده که حتی حرف قبلی‌شان را نقض می‌کند. آنها اسیر یک روایت دوسریاخت شده‌اند.

**یک‌قصه دروغی که به خانه‌هایمان آمد**
رانجیش چاندرا موهان جین، اچاریا رانجیش یا باگوان شری رانجیش را احتمالاً نمی‌شناسید. اینها که گفتیم همه اسامی مختلف یک نفر است، یک فیلسوف و عارف برجسته و شناخته شده برای بسیاری از اهالی کشورمان که حداقل یک بار اسم او را شنیده‌ایم، اشوا!

همین اشویی‌که کتاب‌هایش مدشده بودند و دست به دست می‌شدند، یک به اصطلاح فیلسوف و عارف خوشگل و شیرین، باریش وسبیل خاکستری بلندکه هرجا رفت جهرجهر می‌رج، بیماری‌های مقاربتی و مال اندوزی شخصی چیزی از خودش به جای نگذاشت، تا حدی که سال ۱۹۸۴به جرم مسموم کردن آب و غذای مردم شهری در ایالت اوگان آمریکا و قتل چارلز لاج ترنر بازداشت شد.

اشو ما آتاند شبلاکه منشی شخصی‌اش بود را به عنوان عامل این رفتارها معرفی کرد و با تقاضی که با دادگاه ایالات متحده انجام داد در سال ۱۹۹۰ از این کشور اخراج شد.

در قصه‌ای که از اشو تعریف کرده‌اند هیچ خبری از ساعت‌های رولکس و خودروهای رولزرویس نیست، فقط و فقط گفته بودند او اهل مدیپتشن و عرفان بود، روایت‌های نقل شده از او باعث شد کتاب‌های او را به فارسی هم ترجمه کنند و یک روزی اشو خواندن تبدیل به مد شود و دفترچه‌های راهنمای زندگی‌اش دست این و آن باشد، غافل از این‌که اشو حتی یک کتاب هم ننوشته بود و جالب‌تر آن‌که بعد از مرگ، اقبال جهانی به سمت این افکار بیشتر و بیشتر هم شد. مواظب باشیم، قصه‌ها همیشه نمی‌خواهند که راست بگویند.

دزدند هم، باز ما می‌خواهیم سیاستمداران ب روند و با بدکه‌ترتین کشور جهان مذاکره کنند و ببینند برای این‌که حق ما را به خودمان بدهند باید چه خدمت جدیدی ارائه کنیم؟

ما که مردم مقاومی هستیم و وقتی وزیر خارجه‌مان می‌گوید هیچ‌وقت یک ایرانی را تهدید نکنید به خودمان می‌بالیم، پس چرا بعضی اوقات اینقدر کوتاه می‌آییم؟ آیا به این دلیل نیست روایتی که در ناخودآگاه ما جا افتاده شکل دیگری است؟ آیا قصه‌ای که در دنیا مطرح شده این نیست که ما برای داشتن این سلاح به اندازه کافی قابل اعتماد نیستیم(در حالی که ما اصلاً به دنبال سلاح و ممکن است مثل آمریکایی‌ها از بمب اتم استفاده کنیم؟ قصه‌اگر جور دیگری برای ما نقل می‌شد ما حق خودمان را به هر قیمتی نمی‌خواستیم؟

اینها تازه روایت‌های سیاسی است. بیایید کمی اجتماعی‌تر به این مساله نگاه کنیم.

## روایت‌های خودمانی‌تر

روزی در کشور، همه ما واکسن را اولویت نیا‌زهای خودمان می‌دانستیم. می‌گفتیم اگر واکسن وارد نشود اوضاع کشور روز به‌روز بدتر می‌شود. یک عده مخالف واردات واکسن بودند و عده‌ای هم می‌گفتند هیچ راهی برای تولیدواکسن در داخل کشور وجود ندارد. اعلام شد به خاطر تحریم‌های نمی‌توانیم واکسن وارد کنیم و این قصه به گوش ما رسید و در ناخودآگاه خیلی از ما نشست، به هزرتیب، واکسن وارد شد و در اختیار عموم قرار گرفت.

حالا مواجهه جدید با عده‌ای بود که نمی‌خواستند واکسن بزنند. اجازه بدهید آدم‌هایی را که به علت مسائلی از قبیل طب سنتی با واکسیناسیون مخالف هستند را از این لیست خارج کنیم. آنها به هرحال واکسن نمی‌زنند مگر این‌که مجبور شوند. ما اینجا در مورد بعضی‌ها حرف می‌زنیم که جیع‌های بنفش‌شان برای واردکردن واکسن، گوش فلک را کر کرده‌بود. حالا بعضی از همان